

حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول از منظر اصول و نهادهای مؤثر؛ مطالعه تطبیقی حقوق انگلیس و ایران

فروغ حیدری شولی*

محمد جلالی**

ژانت الیزابت بلک***

چکیده

این نوشتار تلاش می‌کند از حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول به عنوان یکی از حق‌های بشری سخن بگوید. حقی که در ساحت زندگی جمعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مطالعه تطبیقی حقوق حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول در انگلیس و ایران مشخص می‌نماید که اگرچه در انگلیس مسئولیت اصلی تصمیم‌گیری در حفاظت از میراث انگلیسی با نهادهای دولتی است، اما بخش عمومی، با به رسمیت شناختن نهادهای غیردولتی متعدد و جوامع محلی، صلاحیتی گسترده به آنان اعطا نموده است. شناسایی صلاحیتی گسترده برای نهادهای مردمی تبلور اصول عمومی بودن و مشارکت مردمی به عنوان دو اصل بنیادین حاکم بر نظام حفاظت از میراث فرهنگی انگلیس است که در نهایت یک نظام مؤثر و کارآمد را برای این کشور به ارمغان آورده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران از آنجاکه حفاظت از میراث فرهنگی جز امور حاکمیتی بوده است، لذا وزارت میراث فرهنگی و ادارات تابع آن به عنوان متولی اصلی میراث فرهنگی به‌طور متمرکز به مسئله حفاظت پرداخته و درمقایسه با کشور انگلیس نقش به مراتب کمتری را برای جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد قائل شده‌اند که این موضوع در نهایت نظام حفاظت مؤثر از میراث فرهنگی ایران را با خلأ عدم تنوع نهادی و در نتیجه فقدان تخصص‌گرایی و فقدان مشارکت مردمی مواجه می‌سازد. نگارندگان با روشی توصیفی تحلیلی ضمن معرفی اصول انگلیسی حاکم بر حفاظت از میراث انگلیسی و مطابقت‌سنجی آن اصول در نظام حقوقی ایران، به تبیین نهادهای حافظ میراث فرهنگی غیرمنقول و حدود صلاحیت آنها در دو کشور انگلیس و ایران پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: اثر تاریخی، اثر فرهنگی، حفاظت از میراث فرهنگی، حقوق انگلستان، میراث فرهنگی غیرمنقول.

*. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

foroogh2007@yahoo.com

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mdjalali@gmail.com

z_blake@sbu.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق بشر و محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

حقوق میراث فرهنگی از مصادیق حقوق فرهنگی بوده و در گفتمان حقوق بشر یکی از حق‌های پرچالش و در عین حال مورد حمایت نظام حقوق بشر است. مهم‌ترین هدف حقوق میراث فرهنگی تضمین حفاظت از میراث فرهنگی به منظور حق دسترسی بشر به این میراث است؛^۱ بنابراین می‌توان گفت حق بر میراث فرهنگی بر حفظ و بقای میراث فرهنگی استوار است. حفاظت از میراث فرهنگی برای متعادل ساختن حیات انسان‌ها و دستیابی به توسعه پایدار و سازمان‌یافته که روند تکامل تمدن بشری را در پی خواهد داشت از چنان اهمیتی برخوردار است که یک پویش عمومی، جهانی و دولتی را می‌طلبد. حفاظت از میراث فرهنگی در طول قرن نوزدهم به دغدغه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعداد زیادی از کشورهای جهان تبدیل شد. در این راستا به دلیل غنا و قدمت آثار تاریخی ساخته‌شده مستقر در اروپا، کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، ایتالیا و انگلیس از نخستین کشورهایی بودند که هر کدام به روش خاص خود به حفاظت از بناهای باستانی علاقه نشان داده و در جنبش حفاظت پیشگام بوده‌اند. کشور انگلیس به این دلیل مورد پژوهش حاضر قرار گرفته است که این کشور اروپایی با دارا بودن بافت‌های تاریخی منحصر به فرد، کشوری پیشتاز و موفق در عرصهٔ صیانت از میراث فرهنگی بوده و با داشتن اصول و رویه‌های به‌روز و کارآمد و با فعال بودن جنبش‌های عمومی حفاظت می‌تواند الگوی مناسبی برای مطالعه تطبیقی برای نظام حقوق میراث فرهنگی کشور ایران باشد. بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ میلادی، دولت انگلستان یک نظام حفاظتی را تأسیس کرد که به موجب این اقدامات می‌توان گفت یک کشور مدرن را با ریشه‌های عمیق تاریخی و روستایی تأسیس کرده است.^۲

آنچه مورد مطالعه پژوهش حاضر است بررسی نظام حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول است. منظور از میراث فرهنگی غیرمنقول در مقابل آثار فرهنگی منقول، آثاری است که یا ذاتاً قابل نقل و انتقال از محلی به محل دیگر نیستند یا به‌واسطهٔ عمل انسان به صورت غیرمنقول در می‌آید به نحوی که نقل و انتقال آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن است»^۳

1-Hodder, I. Cultural heritage rights: From ownership and descent to justice and well-being. *Anthropological Quarterly*, 2010, 83(4), pp.861-882

2-Miele, C. "Men from the Ministry. How Britain Saved Its Heritage", 2014, pp.294 .

3-Room, I. X. "Convention concerning the protection of the world cultural and natural heritage", 1972, pp.10

بنابراین ذکر این نکته برجسته می‌نماید که حمایت از میراث فرهنگی منقول نظیر اشیای عتیقه و موزه‌ها و یا میراث فرهنگی ناملموس یا معنوی نظیر آثار فولکلوریک و سنت‌ها از دامنه شمول پژوهش حاضر خارج بوده و خود می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد.

منظور از حفاظت از میراث فرهنگی در این مطالعه، فرآیندی است که از گذر آن آثار تاریخی فرهنگی شناسایی شده، ثبت شده، نگهداری شده و در صورت لزوم مرمت می‌شود. در این راستا پرسش‌های متعددی مطرح می‌شود. میراث فرهنگی غیرمنقول در نظام حقوقی کشور انگلیس و ایران چه طیفی را شامل می‌شود و چه آثار بر دسته بندی آثار غیرمنقول مترتب است؟ اصول انگلیسی حفاظت چیست و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران به چه نحو است؟ چه نهادهایی در کشور انگلیس و ایران در جنبه‌های متعدد حفاظت مداخله داشته و در هر دو کشور غلبه با فعالیت کدام یک از انواع نهادهای درگیر است؟

این نوشتار در قالب مطالعه تطبیقی تلاش کرده است به سوالات فوق پاسخ می‌دهد. مقاله در سه گفتار تنظیم شده است که بخش اول به بررسی انواع میراث فرهنگی غیرمنقول و بخش دوم به جایگاه اصول حاکم بر حفاظت و بخش سوم به واکاوی نقش نهادهای مؤثر در حفاظت در دو نظام حقوقی انگلیس و ایران پرداخته است.

گفتار اول. انواع میراث فرهنگی غیرمنقول در انگلستان و ایران

در یک تفسیر موسع، آثار فرهنگی غیرمنقول بر تمامی محوطه‌های تاریخی اعم از سایت‌ها و مناطق باستان‌شناختی، شهرها و روستاهای تاریخی، ساختمان‌ها و بناهای تاریخی، باغ‌ها و پارک‌های تاریخی، آرامستان‌های تاریخی، اماکن مذهبی تاریخی، میادین جنگی تاریخی، حمام‌های تاریخی و هر گونه بنای یادمانی که یا ارزش تاریخی داشته یا به‌خاطر تاریخ هنر و معماری جزء میراث فرهنگی به شمار می‌رود، صدق می‌کند. تعریف، تعیین و شناسایی معیارها و مصادیق میراث فرهنگی غیرمنقول در هر کشوری جهت برخورداری از نظام حفاظت با توجه به مقررره گذاری آن کشور صورت می‌گیرد.

بند اول . میراث انگلیسی و معیارها

یکی از نکات برجسته در نظام انگلیس، شناسایی طیف گسترده‌ای از انواع میراث فرهنگی غیرمنقول است. در این کشور میراث فرهنگی غیرمنقول جهت ثبت در فهرست آثار ملی انگلیس^۱ به پنج دسته تقسیم می‌شوند: بناهای تاریخی^۲، یادگارهای تاریخی^۳، میدان‌های نبرد^۴، پارک‌ها و باغ‌های تاریخی^۵، کشتی‌های شکسته^۶. این تقسیم‌بندی از آن جهت مهم است که شناسایی و ضوابط ثبت هر یک از آثار و همچنین نهادهای درگیر با حفاظت را از یکدیگر متمایز می‌نماید.

۱. بناهای تاریخی

در حقوق میراث فرهنگی بریتانیا بناهایی می‌توانند ثبت و فهرست شوند که یا دارای ارزش تاریخی بوده یا از معماری ویژه‌ای برخوردار باشند. پس از فهرست شدن، سامانه برنامه‌ریزی ویژه‌ای بر آنها اعمال می‌شود تا برای نسل‌های آینده باقی بمانند. هرچه بنا قدیمی‌تر باشد و نمونه‌های آن کمتر، بنا ارزش ثبتی بیشتری پیدا می‌کند. به عنوان قاعده‌ای کلی، آثاری که قدمشان به پیش از ۱۷۰۰ میلادی می‌رسد قابلیت ثبت شدن دارند. بیشتر آثار ایجاد شده بین ۱۷۰۰ تا ۱۸۵۰ میلادی نیز دارای همین ویژگی هستند. گزینش بناهایی که پس از ۱۹۴۵ میلادی هستند باید با احتیاط صورت گیرد و اغلب آثاری که کمتر از ۳۰ سال عمر دارند، به طور معمول ثبت نمی‌شوند تا گذر زمان اهمیت بیشتر آنها را نشان دهد.^۷

لازم به ذکر است که ثبت بناهای تاریخی به معنای آن نیست که آن آثار به هیچ‌وجه قابل دگرگونی نیست؛ بلکه به این معنی است که پس از ثبت، هرگونه دگرگونی در آن نیازمند «مجوز و پروانه بناهای تاریخی»^۸ ثبت شده از سوی مراجع دولتی صالح است. در واقع مالک بنا می‌تواند از آنها بهره‌برد و آنها را دگرگون و حتی تخریب کند، اما باید از نهادهای ذی‌ربط و ناظر مجوز مربوط را بگیرد.

1-the National Heritage List for England

2-Listed Building .

3-Scheduled Monuments .

4-Registered Battlefields .

5-Registered Parks & Gardens .

6-Protected Wreck Sites .

7-<https://historicengland.org.uk/listing/the-list/about-the-list> .

8-listed building consent

۲. یادگارهای تاریخی

یادگارهای تاریخی از سنگ‌های ایستاده ماقبل تاریخ و گوردخمه‌ها گرفته تا انواع مختلف سایت‌های قرون وسطایی، قلعه‌ها، صومعه‌ها، مزارع متروکه و روستاها را در بر می‌گیرد.

فهرست کردن یادگارهای تاریخی^۱ قدیمی‌ترین شکل پاسداری از میراث فرهنگی در انگلستان بوده است. این فرآیند در انگلستان از سال ۱۹۱۳ میلادی آغاز شد و البته حمایت از این آثار با تصویب «قانون حفاظت از یادگارهای باستانی»^۲ مصوب ۱۸۸۲ شروع شده بوده است.^۳ در حال حاضر مبنای قانونی فهرست کردن یادگارهای تاریخی، قانون یادگارهای باستانی و مناطق باستان‌شناسی^۴ مصوب ۱۹۷۹ میلادی است.

هر شخصی می‌تواند ثبت یک یادگار تاریخی را به دپارتمان دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش پیشنهاد دهد، هرچند خود این نهاد، ابتدا به ساکن نیز می‌تواند این فرآیند را آغاز کند. در این فرآیند سایت‌های باستان‌شناسی که دارای ارزش بسیار هستند و نیازمند مدیریت دقیق‌تر هستند شناسایی و ثبت می‌شوند. اصل بر این است که این بناها به همان شکلی که در حال حاضر وجود دارند، به نسل‌های بعدی نیز منتقل شوند و دگرگونی در آنها بسیار به‌ندرت باید روی دهد. ملاک شناسایی ارزش یادگارهای تاریخی برای قرار گرفتن در فهرست آثار ملی عبارت از دوره زمانی، نادر بودن، ارزش‌های جمعی، شرایط و باقی‌ماندن آن، آسیب‌پذیری، ظرفیت و یافته‌ها و مدارک^۵ است.

۳. پارک‌ها و باغ‌های تاریخی

این نوع آثار عبارت از باغ‌ها، زمین‌ها و فضاهای باز شهری است. بیشتر این مکان‌ها به بخش خصوصی تعلق دارند اما در عین حال گورستان‌های عمومی و باغ‌های عمومی نیز دسته‌بزرگی را تشکیل می‌دهند. حتی باغ بیمارستان‌ها نیز این قابلیت را دارند که ثبت شوند. عمل ثبت این مکان‌ها از طرف دولت برعهده «کمیسیون بناها و یادگارهای تاریخی انگلستان» است. هدف از ثبت فراهم کردن امکانات کافی برای پاسداری و محافظت از این

1-Scheduled Monuments

2-Ancient Monuments Protection Act .

3-<https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/scheduled-monuments> .

4-Ancient Monuments and Archaeological Areas Act of 1979 .

5-<https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/scheduled-monuments>

بناها است. ثبت این دسته از آثار باعث می‌شود که ارزش این بناها شناخته شود و مالکان نیز از اهمیت آنها آگاه شده و به نحو بهتری از آنها مراقبت کنند.^۱

۴. میدان‌های نبرد

مهم‌ترین عامل برای شناسایی و ثبت یک میدان نبرد، اهمیت تاریخی نبرد خواهد بود. میادین جنگ به طور مکرر زمینه‌ساز نقاط عطف مهمی در تاریخ انگلیس بوده است. به عنوان مثال، نبرد هاستینگز در سال ۱۰۶۶ منجر به فتح نورمن شد، درحالی‌که جنگ‌های داخلی در اواسط قرن هفدهم نقش سلطنت و پارلمان را تغییر داد و دلیل ثبت میادین مربوط به این دو جنگ، اهمیتی است که این دو جنگ در تاریخ سیاسی این کشور داشته‌اند.

مهم‌ترین نکته برای ثبت بنا آن است که نبرد روی داده در آن مکان، دارای اهمیت بسیاری بوده و نقطه عطفی در تاریخ انگلستان به شمار بیاید، مانند جنگ‌های مدنی و نبرد هاستینگز^۲. این مناطق نیز الزاماً در معرض دید عموم قرار ندارند و اگر مالک خصوصی وجود داشته باشد، باید با او برخی هماهنگی‌ها انجام شود.^۳

۵. کشتی‌های شکسته حفاظت‌شده

قانون حفاظت از کشتی‌های شکسته^۴ این امکان را به وزیر داده است که محدوده اطراف کشتی‌ها را به‌عنوان میراث تاریخی شناسایی کرده تا از دخالت در آنها جلوگیری شود. گمان می‌رود این منطقه حفاظت‌شده، دارای بقایای کشتی و محتویات ارزشمند تاریخی آن باشد. کمیسیون بناها و یادگارهای تاریخی انگلستان عملیات‌های غواصی بسیاری را به منظور گردآوری داده‌های بیشتر در مورد این مکان‌ها و آثار تاریخی انجام داده است. این عملیات‌های غواصی دارای این خاصیت است که می‌تواند از کاوش‌های غیرقانونی جلوگیری کرده و برای منطقه عواید اقتصادی داشته باشد.^۵

1-<https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/registered-parks-and-gardens>

2-Battle of Hastings .

3-<https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/registered-battlefields> .

4-The Protection of Wrecks Act 1973

5-<https://historicengland.org.uk/listing/what-is-designation/protected-wreck-sites> .

بند دوم. میراث ایرانی و معیارها

در نظام حقوق میراث فرهنگی ایران آثار غیرمنقول به دسته‌های خاصی تقسیم نشده است. بلکه طبق قانون راجع به حفظ آثار ملی، کلیه ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره زندیه در مملکت ایران احداث شده باشد را می‌توان از آثار ملی ایران محسوب و تحت حفاظت و نظارت دولت قرار داد.^۱ از سویی ماده واحده قانون ثبت آثار ملی ۱۳۵۲ صراحتاً بیان می‌کند که «اموال غیرمنقولی را که از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت است صرف نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن می‌توان در عداد آثار ملی به ثبت رساند».

علاوه بر آن، دستورالعمل وزارت میراث فرهنگی مبنی بر «ثبت اثر واجد ارزش تاریخی فرهنگی» مصوب ۱۳۹۸/۹/۴ به معرفی برخی از مصادیق آثار غیرمنقول واجد ارزش تاریخی فرهنگی جهت ثبت در فهرست ذی‌ربط آثار ملی پرداخته است. طبق این دستورالعمل اثر واجد ارزش فرهنگی و تاریخی، اثری است که برخوردار از ارزش‌های محلی و منطقه‌ای به لحاظ فرهنگی یا تاریخی باشد. این آثار می‌تواند شامل تک بنا، محدوده یا مجموعه چند بنا، گذر، معبر، خیابان، بافت کالبدی، مکان رخداد یا یک منظر طبیعی و فرهنگی باشد.

گفتار دوم. جایگاه اصول حاکم بر حفاظت از میراث فرهنگی

در نظام حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی انگلستان نهاد «انگلیس تاریخی»^۲ که یک نهاد عمومی غیردولتی است، اسنادی را با عنوان «اصول حفاظت، سیاست‌ها و اسناد راهنما» منتشر می‌نماید که این اصول باید توسط تمام نهادهای مقررگذار و تصمیم‌گیرنده در حوزه حفاظت از محیط تاریخی و همچنین توسط تمام اشخاص ذی‌ربط و ذی‌نفع در حوزه میراث فرهنگی رعایت شوند و به عبارتی تمامی دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مرتبط با حوزه میراث فرهنگی باید منطبق با این اصول باشند.

اگرچه در نظام حفاظت از میراث فرهنگی ایران تا کنون اصولی تحت عنوان اصول حفاظت توسط نهادهای ذی‌صلاح تدوین نشده است؛ اما با مطالعه در قوانین و مقررات موجود می‌توان هنجارهایی را استخراج نمود که پایبندی بدان بر همه افراد اعم از تصمیم

۱. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۹، ماده ۱

گیرندگان، مردم و ذی‌نفعان الزامی است. در قسمت بعدی سه اصل مهم ناظر بر نظام حفاظت از میراث فرهنگی انگلیس را در پرتو سند اصول حفاظت مصوب سال ۲۰۰۸ بیان کرده و سپس به فراخور هر اصل به بازشناسی آن در نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد.

بند اول. عمومی بودن^۱

این اصل در حقوق انگلستان متضمن این مفهوم است که محیط‌های فرهنگی واکنشی است که نسل‌های گذشته نسبت به دنیای اطراف خود نشان داده‌اند و مهارت‌ها و آمال آنها را شکل می‌بخشد. به همین دلیل اندوخته‌ای برای نسل‌های بعدی به شمار می‌آید.^۲ طبق این اصل میراث فرهنگی باورها، سنت‌ها و دانش جوامع مختلف بشری را بازتاب می‌دهند و این امر به محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند، ارزش بیشتری می‌دهد و برای انسان حس تداوم و امتداد و هویت را فراهم می‌کند، به عبارت دیگر میراث فرهنگی، ذخیره‌ای اقتصادی و اجتماعی برای عموم مردم است؛ بنابراین هر نسلی باید به گونه‌ای از آن بهره‌بردار که نسل‌های دیگر نیز بتوانند از آن میراث استفاده کنند. این میراث فارغ از نوع مالکیت، به منفعت عمومی مرتبط است؛ در نتیجه حتی مالکین خصوصی میراث و دارایی‌های فرهنگی نیز باید از پشتیبانی و رایزنی بخش عمومی بهره‌مند شوند^۳؛ چراکه هر آنچه عنوان میراث فرهنگی بر آن صدق کند صرف‌نظر از نوع مالکیت آن، منبعی عمومی است و حتی مالکیت خصوصی نیز نمی‌تواند حق بهره‌مندی عموم مردم از میراث فرهنگی را خدشه‌دار نماید.

با بررسی نظام حقوقی ایران می‌توان مفهوم عمومی بودن میراث فرهنگی را استنتاج نمود. طبق ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶ ایران حفظ محیط زیست و حفاظت

1-Historic England. Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment, England Heritage, 2015, p. 19

Downloaded at: HistoricEngland.org.uk/advice

همچنین ن. ک.

Blake, Janet. Cultural Heritage Law and Policy, Oxford University Press, Oxford, 2015, p. 275

2-Ziegler, K. S. [Cultural heritage and human rights.]" Alberico Gentili: La Salvaguardia Del Beni Culturli Nel . Diritto Internazionale, Giuffrè Milano, ed. 2007 , pp.1

3-Drury, P. McPherson, A., & Heritage, E. "Conservation principles: policies and guidance for the sustainable management of the historic environment".2008 pp.2

از منابع طبیعی و میراث فرهنگی جزء امور حاکمیتی محسوب می‌شود. طبق این ماده: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود»، نص این ماده بیان‌گر این است که میراث فرهنگی منبعی عمومی به شمار می‌آید که از یک سو همه مردم باید از آن بهره‌مند شوند و بدان دسترسی داشته باشند و از دیگر سو، حفاظت از آن نیز نه تنها وظیفه دولت است بلکه عمومی بودن آن موجب می‌شود که مردم را نیز در حفاظت شریک بدانیم.

بند دوم. مشارکت مردمی^۱

یکی از مصادیق حقوق فرهنگی مشارکت مردم در زندگی فرهنگی است. در این راستا اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، حق مشارکت در زندگی فرهنگی را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسد. در خصوص مشارکت در حقوق میراث فرهنگی مصداق بارز آن مشارکت شهروندان در صیانت از میراث فرهنگی است. سازمان یونسکو این رویکرد را که می‌کوشد تا حد ممکن افراد جامعه را در سطوح مختلف در فرآیند پاسداری از میراث فرهنگی درگیر کند، «رویکرد جمعی» می‌نامد.^۲ در نظام حقوقی انگلستان مشارکت مردمی در حفاظت از میراث فرهنگی به عنوان یک اصل در ابعاد گوناگون حفاظت حاکم است.

به عبارتی بخش داوطلبانه و مردمی نقش مهم و حیاتی در حفاظت از میراث فرهنگی انگلستان ایفا می‌نماید. هر ساله صدها هزار نفر از مردم، برای حفاظت از میراث فرهنگی داوطلب می‌شوند. دولت انگلستان مدت زمانی طولانی است که سهم بزرگ و جایگزین‌نشدنی را برای سازمان‌های داوطلبانه در حفاظت از میراث، به رسمیت می‌شناسند. زمینه بریتانیایی حمایت از میراث فرهنگی، مبتنی بر مشارکت عمومی فعال به خصوص از طریق جنبشی موسوم به جنبش جوامع ملی امید است.^۳ هدف این رویکرد که بر مشارکت مردم در حمایت از میراث فرهنگی از طریق حفظ، احیا، نگهداری، تکیه دارد، ارتقاء کیفیت زندگی فرهنگی مردم می‌باشد و در حقیقت تبلور اصل عمومی بودن میراث فرهنگی است.

1-Ibid., p. 20

2-Camuffo, D. "Microclimate for Cultural Heritage: Measurement, Risk Assessment, Conservation, Restoration, and Maintenance of Indoor and Outdoor Monuments". Elsevier.2009. pp.13

۳. چراغچی، سوسن، استانداردها، اصول و منشورهای بین‌المللی حفاظت، قوانین و فنون حمایت و حفاظت از آثار باستانی، نشریه اثر، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، شماره ۳۱ و ۳۲، ص ۱۳۴.

در انگلستان از آنجا که میراث فرهنگی منبعی عمومی تلقی می‌شود؛ بنابراین تمام مردم باید بتوانند از دانش خود برای پاسداری از میراث فرهنگی استفاده کنند و در تصمیم‌گیری درباره حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی از طریق ابزارهای قانونی که در دسترس و فراگیر هستند، مشارکت داده شوند. اصل مشارکت مردم در پاسداری از میراث فرهنگی خود دارای اصولی است. در واقع از یک‌سو باید به تمام افراد، فرصت برابر، جهت مشارکت در صیانت از میراث فرهنگی داده و از سوی دیگر بسترهای مشارکت فعال و شفاف مردم در انواع زمینه‌های حمایتی از میراث فرهنگی از سوی دولت فراهم شود؛ به عبارتی این مشارکت باید همراه با قدرت‌دهی به افراد جامعه باشد. مهم‌ترین جلوه این اصل مشارکت مردم در فرایند شناسایی و نامزد کردن میراث واجد شرایط ثبت در فهرست آثار ملی انگلستان است. جلوه دیگر این اصل در خصوص مشارکت مالکین خصوصی بناهای تاریخی فرهنگی ثبت شده در فرایند دگرگونی آثار توسط مالکین است. پس از ثبت، هرگونه دگرگونی در بناهای تاریخی نیازمند «مجوز و پروانه بناهای تاریخی»^۱ ثبت شده است. مالک بنا می‌تواند از آنها بهره‌برد و آنها را دگرگون و حتی تخریب کند، اما باید از نهادهای ذی‌ربط و ناظر مجوز مربوط را بگیرد.^۲

در نظام حقوق ایران طبق بند ۲۰ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، تشویق مردم به مشارکت در فعالیتهای مربوط به شناسایی، حفظ و احیاء میراث فرهنگی و نظارت بر آن از وظایف وزارت میراث فرهنگی کشور است؛ علاوه بر آن، فرآیند حفاظت و احیاء محدوده‌های تاریخی فرهنگی، به‌عنوان موضوعی چندوجهی و فرابخشی، نیازمند مشارکت و حضور تمامی دستگاه‌ها و کنش‌گران مرتبط و مؤثر، متشکل از دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط، نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشگاهیان است.^۳

همچنین حق مشارکت در زندگی فرهنگی که یکی از مصادیق آن شرکت در حقوق میراث فرهنگی است در ماده ۹۹ منشور حقوق شهروندی ۱۳۹۴ ریاست جمهوری ایران به رسمیت شناخته شده است. «شهروندان حق دارند از امکانات لازم برای مشارکت در حیات فرهنگی خود و همراهی با دیگر شهروندان از جمله در تأسیس تشکلهای، انجمن‌ها، برپایی آیین‌های دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی با رعایت قوانین برخوردار باشند.»

1-listed building consent

2-Spiridon, P., & Sandu, I. "Conservation of cultural heritage: from participation to collaboration." ENCATC Journal . of Cultural Management and Policy, 5(1), 43-52 2009, pp.46

۳. سند واحد حفاظت از بافت‌های تاریخی - فرهنگی و رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۶/۳/۱۰، بند ۱۰.

علی‌رغم شناسایی حق مشارکت مردم در پاسداری از میراث فرهنگی در اسناد ملی گوناگون، نظام حاکم بر میراث فرهنگی ایران شاهد مشارکت مردمی فعال در صیانت از میراث فرهنگی نبوده و می‌توان گفت قاطبه مردم در این بعد از زندگی فرهنگی مشارکت ندارند. موانع زیادی برای مشارکت مردم در صیانت از میراث فرهنگی در کشور ما وجود دارد. از یک سو عدم نقش بخشیدن در عمل به مردم توسط دستگاه‌های اجرایی و از سوی دیگر واقف نبودن مردم به گفتمان میراث فرهنگی و اهمیت آن در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی و ارتقای هویت ملی و غنای فرهنگی کشور عامل عدم مشارکت مردم در نظام حمایت از میراث فرهنگی ایرانی است. همچنین عدم توجه حکمرانان کشور به اهمیت اقتصادی میراث فرهنگی، مشارکت مردمی را در صیانت کمرنگ‌تر نموده است. در حالی که میراث فرهنگی در انگلستان، ستون اقتصاد است و بخش بزرگی از تولید ناخالص داخلی آن کشور را دربرمی‌گیرد. به عبارتی انگلیسی‌ها مدیریت و نگهداری میراث را صرفاً به یک نهاد ملی منتقل نکرده‌اند، بلکه مدل انگلیسی حمایت از میراث فرهنگی، افراد جامعه را از نزدیک درگیر نموده و به جوامع محلی اختیارات گسترده‌ای را در این خصوص اعطا می‌کند.^۱

بند سوم. حفاظت مؤثر و کارآمد^۲

این اصل خود بر چهار مولفه حفظ هر چه بیشتر میراث فرهنگی، عقلایی بودن تصمیمات اداری، رعایت اصل تناسب و شفافیت در فرایند دگرگونی در محیط‌های تاریخی فرهنگی استوار است.

رویکرد بریتانیایی حفاظت از میراث فرهنگی بر حفظ اهمیت هرچه بیشتر محیط‌های تاریخی فرهنگی تکیه دارد. همواره و در تمام محیط‌های تاریخی دگرگونی در مکان‌های تاریخی امری اجتناب‌ناپذیر است. دگرگونی و تغییر گاه می‌تواند ناشی از فعل طبیعت، استفاده از آنها و دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. آنچه این اصل بر آن دلالت دارد این است که دگرگونی در محیط‌های تاریخی اعم از مرمت و احیا باید به گونه‌ای مدیریت شوند که نخست، بنا یا چشم‌انداز تاریخی و فرهنگی بتواند ارزش‌های خود را حفظ کند. این امر یکی از استلزامات توسعه پایدار به شمار می‌آید.^۲ بنابراین هر آنچه در فهم اهمیت

1-Jureniene, V., & Radzevicius, M. "MODELS OF CULTURAL HERITAGE", 2014, pp.250

2-Ibid., p. 22 .

3-United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Managing Cultural World Heritage Paris, 2013, .

محیط فرهنگی، شهروندان را یاری دهد باید در مدیریت و حفاظت از محیطهای میراثی مد نظر قرار گیرد.^۱ این رویکرد هرگونه اقدامی در راستای تغییر مکانهای تاریخی تنها در حالتی مجاز است که فهم مردم را از میراث گذشتگان بهتر کند یا ارزشهای مکان را تقویت کند یا برای حفظ ارزشهای این مکان برای نسل حاضر یا آینده ضروری باشد و ضررهای احتمالی کمتر از منافع آن باشند. در واقع احترام به بافت بنا و یکپارچگی و اصالت آن یکی از مهم‌ترین اصول حفاظت مؤثر و کارآمد است. به همین دلیل تصمیم‌گیری دربارهٔ دگرگون کردن محیطهای فرهنگی نیازمند به‌کارگیری تجربه، تناسب و مهارت در فرایندی منسجم و شفاف از سوی سیاست‌گذاران عمومی است.

برای نمونه در خصوص مرمت و تغییر در ابنیه کلیساهای تاریخی نهاد تصمیم‌گیرنده، هنگام بررسی کارهای پیشنهاد شده، باید به‌طور خاص وظیفه داشته باشد که همراه با سایر عوامل، مطلوبیت حفظ ابنیه کلیسایی فهرست شده، اهمیت حفاظت از ویژگیهای خاص تاریخی، باستان‌شناسی، معماری یا منافع هنری و هرگونه تأثیرات احتمالی مضر ناشی از کارهای مزبور به محیط کلیسا را در نظر بگیرد.^۲

اصل عقلایی بودن تصمیمات مقامات اداری در حقوق انگلستان ایجاب می‌نماید که ابعاد و دامنهٔ ارزیابی مسئله باید به قدری قوی باشد که تصمیم مقام اداری جهت دگرگونی در محیط تاریخی را توجیه کند؛ علاوه بر آن تعارضهای ممکن بین حفظ این آثار و سایر منافع عمومی باید از طریق یافتن ابزاری که صدمه رساندن به این اهداف را به حداقل برساند، تا حد ممکن کم شوند. اگر تعارض اجتناب‌ناپذیر باشد، ارزشی که به میراث فرهنگی در تصمیم‌گیری داده می‌شود باید با اهمیت مکان و تأثیر دگرگونی بر این اهمیت در تناسب باشد.^۳

در نظام حقوقی ایران در راستای اصل حفاظت مؤثر و سازنده از میراث فرهنگی می‌توان جلوه‌های این اصل را در اصل ۸۳ قانون اساسی ایران مشاهده نمود. این اصل بیان می‌کند: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی است قابل انتقال به غیر نیست مگر

1-Historic England, Conservation Principles, Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment, England Heritage, Op. Cit, p. 22

2-Doe, N, Law and Religious Cultural Heritage in Europe: springer international publishing Switzerland, 2014, . pp.168

3-Ibid, p. 23 .

با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که منحصر به فرد نباشد». هرچند قانون اساسی ملاک و معیاری جهت معرفی «نفایس ملی» و «منحصر به فرد» ارائه نداده است اما با مراجعه به سخنان نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در جریان تصویب این اصل، می‌توان برخورداری یک اثر از ارزش فرهنگی، را ملاک نفیس بودن اموال و بناهای مذکور در اصل فوق دانست.^۱ چنین ارزشی می‌تواند ناشی از ارزشی تاریخی باشد یا غیرتاریخی. به عبارتی ملاک و معیاری که می‌توان به عنوان نفیس بودن یک اثر ذکر نمود ارزشی است که آن اثر را از سایر آثار متمایز می‌نماید. در خصوص عبارت منحصر به فرد بودن نیز با توجه به سخنان شهید بهشتی نایب رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، روشن می‌گردد که منظور از نفایس منحصر به فرد، نفایسی هستند که تنها یک مصداق و نمونه از آنها وجود داشته باشد. همچنین در راستای حفاظت فیزیکی نظیر مرمت و بازسازی محدوده‌های تاریخی - فرهنگی کشور، لزوم حفظ اصالت و یکپارچگی اثر از اهمیت وافری برخوردار است. در خصوص اصل حفاظت یکپارچه باید گفت که اصالت و یکپارچگی در همه ابعاد فرایند حفاظت و احیاء محدوده‌ها و بافت‌های تاریخی ضروری است.^۲ در این راستا تعمیر، مرمت و تجدید بنا یا تزئینات اثر تاریخی از سوی مالک آن نیازمند اخذ مجوز از وزارت میراث فرهنگی است و این نهاد اجازه انجام عملیاتی را که سبب تزلزل بنیان بنا یا تغییر ظاهر آن شود را نخواهد داد و از سوی دیگر مالک اثر حق جلوگیری از اقدامات حفاظتی دولت نسبت به اثر را ندارد.^۳ جلوه‌های دیگر در راستای حفاظت سازنده در نظام حقوقی ایران را می‌توان در تعیین نوع کاربری مناسب بناهای تاریخی دانست. تعیین نوع کاربری و بهره‌برداری متناسب با شأن بناهای تاریخی با وزارت میراث فرهنگی است.^۴ در این خصوص نه تنها دولت موظف به حفظ کاربری بناهای تحت مالکیت و تولید است بلکه مالکین خصوصی آثار تاریخی، نظیر خانه‌های تاریخی نیز تنها در حدود کاربری‌های مجاز

۱. تقی زاده، احمد، بررسی اصل هشتاد و سوم موضوع جلسات ۳۳ و ۳۴، سلسه جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی

نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷، ص ۲۹-۳۲

۲. سند واحد حفاظت از بافت‌های تاریخی - فرهنگی و رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی،

(مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۶/۳/۱۰ بند ۵

۳. عباسی، بیژن، **حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی**، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین

حقوق اداری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۹، ص ۳۰

۴. بند (چ) از ماده ۱ قانون حمایت از مرمت و احیاء بافت‌های تاریخی فرهنگی ۱۳۹۸ مقرر می‌دارد که کاربری متناسب به معنی «حفظ و ارتقاء هویت و ارزش‌های اثر با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی و همچنین اجتماعی - اقتصادی آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر وفق ضوابط و مقررات و قوانین ناظر به موضوع است».

تعیینی از سوی وزارت میراث فرهنگی می‌توانند از اثر تاریخی استفاده نمایند. در این راستا هرگونه تغییر در نحوه استفاده از اثر بدون گرفتن مجوز از وزارتخانه یاد شده به عنوان تغییر غیرمجاز کاربری در قانون تعزیرات جرم‌انگاری شده است.^۵

گفتار سوم. نهادهای مسئول و حدود صلاحیت آنها در حمایت از میراث فرهنگی غیرمنقول در انگلستان و ایران

در نظام انگلیسی حمایت از میراث فرهنگی، نوعی تمرکززدایی در امر حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول قابل مشاهده است؛ به این معناکه دولت مرکزی متشکل از «وزارت دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش» و «وزارت مسکن و جوامع محلی» به عنوان دو نهاد دولتی کلیدی، نقش مقررگذاری را در این حوزه به عهده داشته و همچنین طیف گسترده‌ای از نهادهای غیردولتی و جوامع مدنی در فرآیند حمایت نقشی مؤثر ایفا می‌نمایند در نظام حقوقی ایران از آنجاکه حفاظت از میراث فرهنگی جزء امور حاکمیتی بوده، بنابراین وزارت میراث فرهنگی و ادارات تابع آن به صورت متمرکز حفاظت از میراث فرهنگی را به عهده داشته و نهادهای غیردولتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد با طیف گسترده کارکردهای انگلیسی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد. در این گفتار به تبیین انواع نهادهای مؤثر در حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول و کارکردهای آن پرداخته خواهد شد.

بند اول. ساختارهای مؤثر در انگلستان

در انگلستان صدها نهاد و هزاران فرد وجود دارند که از میراث فرهنگی پاسداری می‌کنند. این نهادها طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند. برخی در سطح ملی و نهادهای دولتی تلقی می‌شوند. برخی دیگر نهادهای غیردولتی هستند که ماهیت مستقل از دولت داشته ولی توسط دولت حمایت مالی می‌شوند یا تحت نظارت دولت هستند و برخی نهادها نیز کاملاً مستقل از دولت بوده و جنبه داوطلبانه و رفاهی دارند.

۱. عباسی، بیژن، حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت‌شده در فهرست آثار ملی، فصلنامه علمی پژوهش‌های

نوبین حقوق اداری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۹، ص ۳۱.

۱. نهادهای دولتی

در سطح ملی سه نهاد دولتی بسیار مهم وجود دارند که در فرآیند پاسداری از میراث بریتانیایی مسئولیت دارند:^۱ دپارتمان دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش^۲؛ وزارت مسکن، جوامع و دولت محلی^۳؛ وزارت محیط زیست، خوراک و امور روستایی^۴.

الف. دپارتمان دیجیتال، رسانه و ورزش

این نهاد مسئول اصلی سیاست‌گذاری درباره شناسایی، ضبط، پاسداری، نگهداری و ارتقاء میراث فرهنگی در انگلستان است. این نهاد مرکزی مسئول سیاست‌گذاری در زمینه هنر، رسانه، ورزش و محیط زیست تاریخی در انگلستان است؛ همچنین این نهاد منابع مالی دولت را برای حمایت از میراث فرهنگی فراهم کرده و مسئول شناسایی، حفاظت و تقویت محیط زیست تاریخی است.

تصمیم‌گیری درباره ثبت بناها و یادگارهای تاریخی،^۵ صادر کردن رضایتنامه یادگارهای تاریخی ثبت شده،^۶ کمک مالی به نهادهایی همچون کمیسیون بناها و یادگارهای تاریخی انگلستان و صندوق یادبود میراث ملی،^۷ تأمین مالی «هیئت امنای محافظت از کلیساهای تاریخی»، استفاده از صلاحیت انحصاری برای تصمیم‌گیری درباره مالکیت اجباری برخی از اموال تاریخی، انجام اقدامات اضطراری برای پاسداری از اثر تاریخی مبتنی بر قانون برنامه‌ریزی (بناهای فهرست شده و مناطق تحت حفاظت) ۱۹۹۰ و تعیین حریم حفاظتی^۸ مهم‌ترین مسئولیت‌های این نهاد مرکزی است.

ب. وزارت مسکن، جوامع و دولت محلی

این وزارتخانه وظیفه مهم فراهم کردن چهارچوب سیاست‌گذاری ملی^۹؛ در حوزه میراث فرهنگی را به عهده دارد. در این راستا جدیدترین سیاست‌گذاری این وزارتخانه در حوزه

1-<https://historicengland.org.uk/advice/hpg/publicandheritagebodies/nationalgovernment>

2-Department for Digital, Culture, Media and Sport (DCMS) .

3-Ministry of Housing, Communities & Local Government .

4-Department for Environment, Food and Rural Affairs .

5-monument .

6-scheduled monument consent .

7-National Heritage Memorial Fund .

8-conservation areas: s69(1)(a) Planning (Listed Building and Conservation Areas) Act 1990

9-National Planning Policy Framework (NPPF).

حفاظت مؤثر و سازنده مبتنی بر مشارکت مردم و توسعه پایدار مربوط به فوریه سال ۲۰۱۹ است. سیاست‌گذاری اخیر بر حفظ و ارتقاء دارایی‌های تاریخی از طریق رعایت اصول حفاظت سازنده از سوی مقامات دولتی، مقامات برنامه‌ریز محلی و تمامی مردم تأکید دارد.

همچنین بررسی امکان استفاده از صلاحیت انحصاری در صادر کردن اخطاریه اجرائی^۱ و اخطاریه اجرائی بناهای فهرست‌شده^۲، تأیید یا رد اخطاریه فروش اجباری^۳، تصمیم‌گیری درباره درخواست‌های رضایت توسعه^۴ برای پروژه‌های زیرساختی مهم ملی^۵ از کارکردهای مهم این نهاد دولتی در امر حفاظت است.

ج. دپارتمان محیط زیست، خوراک و امور روستایی

از آنجاکه بسیاری از محیط‌های کشاورزی در بریتانیا محوطه تاریخی بوده یا حریم محوطه‌های فوق می‌باشند، این نهاد مسئول برنامه‌ریزی برای محیط‌های کشاورزی تاریخی - فرهنگی است که در این خصوص حمایت از محوطه‌های فوق از طریق قرارداد بستن با کشاورزان و مالکان زمین‌ها جهت حفظ آن میراث از وظایف اصلی این نهاد دولتی است.

۲. نهادهای عمومی غیردولتی

در انگلیس بیشتر وظایف اجرایی در حمایت از میراث فرهنگی به‌عهده نهادهای غیردولتی با ماهیت عمومی است. این نهادها طیف گسترده‌ای داشته و تنوع نهادی را در نظام حمایتی این کشور به ارمغان آورده است.^۶

الف. نهاد انگلیس تاریخی^۷

نهاد انگلیس تاریخی (میراث انگلیسی^۸ سابق) یک نهاد غیردولتی عمومی است که توسط دپارتمان دیجیتال فرهنگ رسانه و ورزش، حمایت می‌شود و مشاور قانونی دولت در محیط

1-enforcement notice

2-a listed building enforcement notice .

3-compulsory purchase notices .

4-development consent applications .

۵. منظور از nationally significant infrastructure projects پروژه‌هایی هستند که برحسب قانون برنامه‌ریزی ۲۰۰۸ (Planning Act ۲۰۰۸) با به دست آوردن «رضایت توسعه» از وزارت مسکن، جوامع و دولت محلی می‌توانند بدون مجوزهای دیگر مرتبط با میراث فرهنگی مانند رضایتنامه یادگارهای تاریخی ثبت‌شده در آثار تاریخی دخل و تصرف کنند.

6-Ibid

7-Historic England

8-English Heritage

تاریخی است. مسئولیت‌های این نهاد در قانون میراث ملی (۱۹۸۳، ۲۰۰۲ اصلاح شده)^۱ تنظیم شده است. نهاد انگلیس تاریخی مسئولیت فهرست کردن و ثبت میراث فرهنگی انگلستان در فهرست آثار ملی را به عهده دارد که این وظیفه مهم از سوی دپارتمان دیجیتال فرهنگ، رسانه و ورزش به این نهاد اعطا شده است.

این سازمان به ادارات مهم دولتی در امور میراث و چگونگی تأثیر آن بر سیاست و قوانین مشاوره می‌دهد. نهاد انگلیس تاریخی همچنین اسناد راهنما اصول حفاظت را برای بخش عمومی و و مالکین خصوصی و تمامی ذی‌نفعان در زمینه حمایت از میراث فرهنگی به طور گسترده‌ای منتشر می‌نماید.

ب. تراست ملی برای مکان‌ها دارای ارزش تاریخی یا زیبایی طبیعی^۲

تراست ملی، نهادی خیریه و مستقل از دولت است که اختیارات آن برحسب قانون تراست ملی^۳ ۱۹۰۷ مشخص شده است. شناسایی تهدیدات میراث فرهنگی غیرمنقول و همچنین سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی ملی از مهم‌ترین صلاحیت‌های این نهاد غیردولتی در پاسداری از میراث فرهنگی مربوط به ملت انگلستان است.^۴ در این راستا این نهاد مالکیت و مدیریت ۲۵۰ هزار هکتار از اراضی که دارای زیبایی ویژه و اهمیت تاریخی هستند و بیش از ۳۰۰ باغ و خانه تاریخی، یادگارهای باستانی و پارک‌های طبیعی را به عهده دارد. از آنجاکه عمده‌ترین میراث فرهنگی انگلیس متعلق به این نهاد است، این اموال به‌آسانی انتقال‌پذیر به نهادها یا افراد نیست و اگر نیاز به فروش بخش‌هایی از اموال این نهاد پیش بیاید باید با تصویب پارلمان همراه باشد.^۵

ج. کمیسیون بناها و یادگارهای تاریخی انگلستان

این نهاد، یک نهاد عمومی غیردولتی^۶ است که بودجه آن را دپارتمان دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش فراهم می‌کند. بخشی از بودجه آن نیز توسط خدماتی که ارائه می‌دهد، به دست می‌آید. نهادهای عمومی غیردولتی در انگلستان نهادهایی هستند که جزء کابینه

1-National Heritage Act 1997

2-The National Trust for Places of Historic Interest or Natural Beauty

3-National Trust Acts 1907 .

4-<https://historicengland.org.uk/advice/hpg/publicandheritagebodies/nt> .

5-Ibid .

6-non-departmental public body (NDPB) .

به شمار نمی‌آیند و وزیر مربوطه کمترین نظارت را بر آنها دارد؛ اما در عین حال در برابر اقدامات آنها به پارلمان نیز پاسخگو است. مسئولیت‌های این نهاد برحسب قانون میراث ملی ۱۹۸۳^۱ مشخص شده است. این نهاد گزارش‌های خود را از طریق دپارتمان دیجیتال، فرهنگ، رسانه و ورزش به پارلمان می‌فرستد. ۶۰ کمیسر دولتی بر اقدامات این نهاد نظارت دارند.^۲ این نهاد دارای لیستی از یادمان‌ها و بناهای تاریخی است که در دسترس همگان قرار دارد. بزرگترین آرشیو اطلاعات تاریخی به این نهاد تعلق دارد که نزدیک به ۱۰ میلیون سند را دربرمی‌گیرد. این نهاد همچنین فهرست کردن و ثبت ملی باغ‌ها و پارک‌ها و میدان‌های جنگ تاریخی را بر عهده دارد.^۳

د. جوامع کلیسای محلی و جوامع مرتبط

یکی از مهم‌ترین انواع بناهای تاریخی در انگلستان، سازه‌های مذهبی نظیر کلیساهای تاریخی است. به‌ویژه در رابطه با «کلیساهای جامع قرون وسطایی» انگلستان، که در برخی از مهم‌ترین مکان‌های باستان‌شناسی کشور قرار دارند و علاوه بر اهمیت باستانی و مذهبی خود، به دلیل اینکه اغلب در مکان‌هایی واقع شده‌اند که از ماقبل تاریخ نیز شاهد فعالیت‌های انسانی بوده‌اند، از اهمیت بالایی در میان انواع میراث فرهنگی غیرمنقول این کشور برخوردار می‌باشند.^۴

در انگلستان، کلیساهای جامع و ملحقات آنها مستقل از دولت هستند و از محل عواید موقوفات اداره می‌شوند. مسئولیت نگهداری میراث ابنیه کلیساها با جامعه کلیسایی محلی مربوطه است. با این حال مجموعه‌ای از طرح‌های بودجه‌ای وجود دارند که به‌طور درخور توجهی توسط نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی حمایت می‌شوند؛ به عنوان مثال می‌توان از «هیئت امنای محافظت از کلیساها» که توسط اداره رسانه، فرهنگ و ورزش و شورای عمومی کلیسای انگلستان، تأمین مالی می‌شود و همچنین از «کمک هزینه‌های تعمیراتی» اعطایی توسط تراست کلیساهای ملی، یا طرح «کمک‌های مالی برای کلیساهای جامع» میراث انگلستان و «طرح‌های اعطای کمک‌های مالی به اماکن فهرست‌شده عبادی» نام برد. همچنین مرمت و سایر امور مربوط به ابنیه متعلق به کلیسای انگلستان توسط «نظام

1-National Heritage Act 1983

2-<https://historicengland.org.uk/advice/hpg/publicandheritagebodies/eh> .

3-Ibid

4-Doe, N. Law and Relegious Cultural Heritage in Europe : springer international publishing Switzerland, 2014, .

pp.168

حوزه صدور احکام و مجوزهای کلیسا» اداره می‌شود^۱ در حالی که انجام تغییرات در کلیساهای جامع تحت مقررات جاری «تدابیر و اقدامات مراقبتی کلیساهای جامع» مصوب سال ۲۰۱۱ مدیریت می‌شود.^۲

۳. نهادهای داوطلبانه و انجمن‌های رفاهی

رویکرد مشارکتی حاکم بر نظام حمایت از میراث فرهنگی تاریخی انگلیسی ایجاب می‌نماید که در این کشور شاهد مشارکت هزاران سازمان مردم‌نهاد باشیم. بخش داوطلبانه نقش مهمی و حیاتی در حفاظت از میراث فرهنگی انگلستان ایفا می‌نماید. هر ساله صدها هزار نفر از مردم، برای حفاظت از میراث فرهنگی داوطلب می‌شوند. دولت انگلستان مدت بسیاری است که سهم بزرگ و جایگزین‌ناپذیری را که سازمان‌های داوطلبانه در حفاظت از میراث، از جمله از طریق سیستم برنامه‌ریزی، به رسمیت می‌شناسند. زمینه بریتانیایی حمایت از میراث فرهنگی مبتنی بر مشارکت عمومی فعال به خصوص از طریق جنبشی موسوم به جنبش‌ها یا جوامع ملی امید است.^۳ این رویکرد که بر مشارکت مردم در حمایت از میراث فرهنگی از طریق حفظ، احیاء، نگهداری، تکیه دارد هدفش در نهایت ارتقاء کیفیت زندگی فرهنگی مردم می‌باشد. مجمع یادگارهای باستانی،^۴ شورای باستانی شناسی انگلیسی،^۵ مجمع پاسداری از آثار تاریخی،^۶ گروه موسوم به گروه جرجی^۷، مجمع ویکتوریایی،^۸ مجمع سده بیستم و جوامع رفاهی ملی، اهم نهادهای مردم‌نهاد در پاسداری از میراث بریتانیایی محسوب می‌شوند که هر یک وظیفه حمایت از دسته‌ای میراث فرهنگی خاص را به‌عهده دارند. در سال ۱۹۵۷ میلادی نیز نهاد تراست مدنی^۹ ایجاد شده تا بین این نهادها هماهنگی ایجاد کند.^{۱۰} بر طبق «توافق‌نامه»^{۱۱} رتق‌وتق درخواست‌های میراثی ۲۰۱۵^{۱۲} نهادهای برنامه‌ریز

1-Mynors, C. Listed buildings, Conservation areas and monument. London: Sweet & Maxwell, 2006, pp.567

2-Hill, M, Ecclesiastical Law. Oxford: Oxford University, 2007, pp.220 .

3-The Ancient Monuments Society

4-The Council for British Archaeology .

5-The Society for the Protection of Ancient Buildings .

6-The Georgian Group .

7-The Victorian Society .

8-The Twentieth Century Society .

9-The National Amenity Societies .

10-The Civic Trust

11-<https://historicengland.org.uk/advice/hpg/publicandheritagebodies/amenitysocieties> .

12-Arrangements for handling heritage applications Direction 2015 .

محلی موظف هستند که برای تصمیم‌گیری در مورد تمامی درخواست‌هایی که مبتنی بر تخریب بخشی یا همه آثار ثبت شده هستند با نهادهای داوطلبانه و مردم‌نهاد مذکور مشورت کنند. شناسایی چنین حقی برای نهادهای مردم‌نهاد خود تبلور اصل مشارکت مردمی در نظام حمایت از میراث انگلستان است.

بند دوم. ساختار نهادهای مؤثر در ایران

۱. نهادهای دولتی

این بخش را وزارت میراث فرهنگی و حدود صلاحیت آن در حفاظت آغاز می‌نماییم.

الف. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی جدیدترین وزارتخانه ای است که در نظام حقوقی ایران به موجب قانون تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۶ تأسیس شده است. هرچند قبل از این تاریخ نهاد متولی امر میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به‌عنوان یکی از نهادهای تحت نظارت معاونت ریاست‌جمهوری بوده اما با تصویب قانون فوق‌الذکر نهاد وزارتخانه متولی میراث فرهنگی و جنبه‌های گوناگون آن شده است. شناسایی، پژوهش و مستندسازی، معرفی، آموزش و ترویج حفاظت، احیاء و بهره‌برداری خردمندانانه از میراث فرهنگی (ملموس و غیرملموس)، اهتمام ملی و تقویت حس مسئولیت عمومی و جلب مشارکت همگانی در حمایت و صیانت، حفاظت، احیاء و بهره‌برداری خردمندانانه از میراث فرهنگی، طبیعی، تنوع فرهنگی، تنوع منظر و زیستی کشور از مهم‌ترین اهداف این نهاد در راستای حمایت از میراث فرهنگی است. در این راستا مهم‌ترین و مقدماتی‌ترین وظیفه حمایتی وزارتخانه شناسایی و ثبت آثار فرهنگی واجد شرایط در فهرست آثار ملی و فهرست‌های ذی‌ربط آثار ملی است.^۱ فرآیند ثبت آثار، نهادهایی را درگیر می‌می‌نماید که همگی از ارکان وزارت میراث فرهنگی هستند. این ارکان عبارت‌اند از شورای ملی آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول، کمیته ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول استان و کمیته بررسی اعتراض مالک به ثبت اثر؛ به عبارتی می‌توان گفت برخلاف کشور انگلیس که نهادهای متعدد غیردولتی، آثار را به فهرست آثار ملی وارد می‌کنند، در نظام حقوقی ایران صرفاً نهادهای دولتی این رسالت را به عهده دارند. به طوری که می‌توان گفت نظام حقوقی ثبت در کشور انگلیس با درگیر کردن نهادهای متعدد

۱. بند ۶ ماده ۳ قانون اساسنامه این سازمان مصوب ۱۳۶۷/۲/۱ مجلس شورای اسلامی.

غیردولتی ضمن تخصصی کردن عمل ثبت از طریق تعدد نهادی در نهایت حمایت کارآمدتر و مؤثرتری را از میراث فرهنگی غیرمنقول در آن کشور به عمل می‌آورد.

ب. انجمن‌های میراث فرهنگی

انجمن‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نهادی است دولتی، ملی - فرهنگی و غیرانتفاعی، وابسته به وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری که در مراکز استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاها یا برای موزه‌ها و آثار تاریخی تشکیل می‌شود^۱ و هدف آن جلب حمایت مادی و معنوی مردم در راستای حمایت از میراث فرهنگی و مشارکت عموم مردم در زمینه حفظ احیاء و معرفی میراث فرهنگی کشور است. با سیری در وظایف و اختیارات انجمن‌های میراث فرهنگی مبتنی بر اساسنامه انجمن‌های میراث فرهنگی مصوب ۱۳۷۳/۷/۳ می‌توان مهم‌ترین وظایف این نهاد را ترغیب و تشویق مردم به حفظ و احیای میراث فرهنگی دانست که بی‌تردید شناسایی وظایفی حداقلی برای این نهاد وابسته به وزارت میراث فرهنگی یک ساختار اداری زائد و بدون ثمر را در حمایت از میراث فرهنگی ایرانی به ارمغان آورده است.

ج. سازمان اوقاف و امور خیریه

بخش شایان توجهی از میراث فرهنگی غیرمنقول ایران، میراث وقف است که گاه عمرشان به هزار سال نیز می‌رسد و نسبت به سایر آثار تاریخی کمتر در معرض نابودی و تخریب قرار گرفته‌اند.^۲ سازمان اوقاف و امور خیریه از آنجاکه نهادی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی است و سرپرست آن نه‌تنها منصوب وزیر ارشاد است بلکه برای تصدی برخی امور مازون از مقام ولایت فقیه است لذا نهادی نزدیک و وابسته به دولت به شمار می‌رود. این نهاد از سویی شبیه نهاد «تراست ملی» در حقوق کشور انگلستان است؛ زیرا که تولید بناهای مذهبی تاریخی - فرهنگی به عهده این نهاد است. در این راستا از وظایف مهم این نهاد حفظ موقوفه تاریخی است. تعمیر و مرمت بقاع متبرکه تاریخی با اطلاع قبلی و نظارت وزارت میراث فرهنگی کشور و توسط سازمان اوقاف و امور خیریه انجام خواهد شد. طرح نگهداری و مراقبت از بقاع و اماکن متبرکه تاریخی از نظر تجهیزاتی و پرسنلی با هماهنگی وزارت میراث فرهنگ، توسط سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه و به مورد اجرا گذاشته می‌شود؛^۳

۱. ماده ۱، اساسنامه انجمن‌های میراث فرهنگی مصوب ۱۳۷۳/۷/۳

۲. نظری، فرهاد و صالحی کاخکی، احمد، سازو کار تاریخی حفظ موقوفات در ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران،

شماره ۱۵، دوره هفتم، زمستان ۱۳۹۶، ص. ۲۵۲

۳. ماده ۱۵ و ۱۷ آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی مصوب شورای امنیت کشور.

همچنین هرنوع تعمیر و مرمت در اماکن مذهبی باستانی در راستای حفاظت از میراث فرهنگی با اطلاع قبلی و نظارت وزارت میراث فرهنگی توسط هیئت امنایی که به حکم سازمان اوقاف، حج و امور خیریه منصوب شده‌اند و اداره و نگهداری بنا را به عهده دارند، صورت می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد در کشور انگلیس سازه‌های مذهبی تاریخی تحت نظام خاصی هدایت می‌شود که بی‌شبهت به نظام موقوفه در حقوق ایران نیست؛ اما، تفاوت در این است که نهادهای مذهبی نظیر کلیسا کاملاً مستقل از دولت هستند و توسط نظام خاص خود اداره می‌شوند.

۲. سازمان‌های مردم‌نهاد و حدود صلاحیت آنها

سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادی قدیمی با مفهومی جدید است که ریشه در تاریخ گذشته بشر دارد و در زمان‌های گذشته با مطرح شدن مدیریت اجتماعات بشری پا به عرصه هستی نهاده است.^۱ سازمان‌های مردم‌نهادی که در اموری چون محیط زیست، میراث فرهنگی و بهداشت فعالیت می‌کند معمولاً سمن‌های همکار دولت محسوب می‌شوند. سمن همکار اگرچه نهادی غیردولتی و داوطلبانه بوده اما در کنار دولت قرار داشته و رابط بین مردم و دولت می‌باشد.^۲ رویکرد توسعه حمایت از میراث فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد میراث فرهنگی رویکردی کم‌هزینه و فراگیر است که می‌تواند بستری مناسب برای حفاظت از میراث فرهنگی کشور قلمداد شود. هدف از ایجاد چنین تشکلهایی در حوزه میراث فرهنگی آموزش همگانی در راستای ترویج اخلاق حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی و آگاهی‌بخشیدن به عموم مردم در زمینه پیامدهای فعالیت‌های مخرب انسانی نسبت به محیط فرهنگی و در راستای حفظ و حراست از میراث فرهنگی باشد.^۳

در حوزه حمایت از میراث فرهنگی نیز در سرتاسر کشور ما سازمان‌های مردم‌نهاد تحت عناوینی نظیر انجمن دوستداران میراث فرهنگی، خانه‌های میراث فرهنگی ایجاد شده که در راستای حفظ میراث فرهنگی به موجب اساسنامه خویش اقداماتی را انجام می‌دهند. سمن‌های میراث فرهنگی را دفتر امور مجامع و تشکلهای مردم‌نهاد وزارت میراث فرهنگی

۱. مقیمی، محمد، میرزایی اهرنجانی، حسن، ارائه الگوی مطلوب سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۳۸۲، شماره ۶۲، ص ۱۰۲.

۲. رضانی قوام‌آبادی، محمد حسین، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۹۹، ص ۱۵۴.

3-Scherrer, Y. M. "Environmental conservation NGOs and the concept of sustainable development". Journal of Business Ethics, 2009, 85, pp. 555

شناسایی و سامان‌دهی می‌کند و با برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی سمن‌های میراث فرهنگی به حمایت از سمن‌های این حوزه می‌پردازد. سمن‌های میراث فرهنگی با معرفی میراث فرهنگی منطقه خود و آموزش و پژوهش در راستای حمایت از میراث فرهنگی و جلب مشارکت‌های مردمی در راستای حفاظت از میراث نقش مؤثری را می‌تواند اعمال نماید. همچنین، سمن‌های میراث فرهنگی با مجوز دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بهره‌برداری و اداره بنا و اماکن تاریخی - فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی به استثناء نفایس ملی را می‌توانند در چهارچوب ضوابط و مقررات مشخص در اختیار داشته و اداره نمایند که اداره این امر شامل اقدامات نگهداری از آثار اعم از اقدامات پیشگیرانه احیا و مرمت می‌باشد.^۱ علاوه بر موارد مذکور یکی از صلاحیت‌های نوظهور برای سمن‌های میراث فرهنگی را می‌توان در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ مشاهده کرد. طبق مفاد ماده مذکور، سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از میراث فرهنگی است می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی علیه میراث فرهنگی اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی مشارکت نمایند. شناسایی این رسالت برای سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش آنان را در کاهش جرائمی نظیر حفاری غیرمجاز، ورود آسیب و تخریب‌های غیرقانونی و در نتیجه حفاظت کارآمد مؤثرتر می‌نماید.

نتیجه

با حاکم بودن سه اصل بنیادین عمومی بودن، مشارکت مردمی و حفاظت مؤثر و کارآمد بر نظام حفاظت از میراث فرهنگی انگلیس می‌توان به این نتیجه رسید که دولت انگلیس با سیاست‌گذاری‌های مدرن و مشارکت دادن طیف گسترده نهادها و کمیسیون‌ها در بخش عمومی و خصوصی و شناسایی حقوق و تکالیف تخصصی برای آنها توانسته است میان موضوع حفاظت به عنوان وظیفه‌ای دولتی از یک سو و حق دسترسی شهروندان به میراث فرهنگی تعادل برقرار نماید. دولت مرکزی انگلیس، مقررگذاری و سیاست‌گذاری در حوزه حفاظت را به‌عهده داشته و ابعاد اجرایی حفاظت را به طیف گسترده‌ای از نهادهای عمومی غیردولتی و سایر جوامع محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد اعطا نموده است. اعطای اختیارات مهمی نظیر ثبت آثار غیرمنقول و مدیریت و نگهداری آن به نهادهای یادشده، موجب سلب مسئولیت از نهادهای دولتی نمی‌شود؛ بلکه در هر موردی که اصول حفاظت از سوی دست‌اندرکاران غیردولتی رعایت نشود، مسئولیت نهادهای دولتی و مسئولیت پارلمانی کماکان پابرجاست و نظارت بر نهادهای غیردولتی همچنان با دولت مرکزی است. این در حالی است که در نظام

۱. ماده ۷۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور

حقوقی ایران وزارت میراث فرهنگی و در کنار آن، نهادهای نزدیک به دولت نظیر سازمان اوقاف و امور خیریه مالکیت و تولید بیشتر میراث فرهنگی غیرمنقول را به عهده دارند و در این میان نقش سازمان‌های خصوصی یا تشکل‌های مردم‌نهاد در امر حفاظت کم‌رنگ است. هرچند با تصویب قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی و توانمندسازی مالکان و بهره‌برداران بناهای تاریخی فرهنگی بسترهای مشارکت مردمی در حفظ و احیاء میراث فرهنگی بیش از گذشته فراهم شده اما می‌توان گفت نظام حقوقی حفاظت از میراث فرهنگی غیرمنقول در ایران تا رسیدن به نظامی با رویکرد مشارکتی فعال فاصله دارد و نیاز است که ارکان صالح با مقررہ‌گذاری از یک‌سو و با آموزش شهروندان از سوی دیگر، ضمن فراهم کردن بسترهای مشارکت مردمی، مردم را به عنوان صاحبان اصلی میراث فرهنگی با فرهنگ حفاظت آشتی دهند.

فهرست منابع ۱. منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. توحیدی، فائق، آشنایی با میراث فرهنگی (آموزش عمومی ۳)، چاپ اول، تهران، مدیریت آموزش، ۱۳۸۱.
۲. شادنوش، امیرحسین، دادرسی اداری در حوزه میراث فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
۳. صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، جلد اول، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.
۴. غنمی، امید، مجموعه قوانین و مقررات میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، چاپ اول، تهران، قلمرو فرهنگ، ۱۳۸۸.

ب. مقاله‌ها

۵. یوکیلتو، یوکا. استانداردها، اصول و منشورهای بین‌المللی حفاظت، قوانین و فنون حمایت و حفاظت از آثار باستانی، ترجمه سوسن چراغچی، نشریه اثر، تابستان و پاییز ۱۳۷۷، شماره ۳۱ و ۳۲.
۶. مقیمی، محمد، میرزایی اهرنجانی، حسن، ارائه الگوی مطلوب سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی، فصلنامه دانش مدیریت، دوره ۱۶، پاییز ۱۳۸۲، شماره ۵۶۳.
۷. عباسی، بیژن، حقوق و تکالیف مالکان خصوصی آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری سال دوم، پاییز ۱۳۹۹، شماره چهارم، ص ۳۰.
۸. تقی زاده، احمد، بررسی اصل هشتاد و سوم موضوع جلسات سی و سوم و سی و چهارم، سلسه جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷، ص ۲۹-۳۲.
۹. رضانی قوام آبادی، محمد حسین، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۱، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۹۹، ص ۱۵۴.
۱۰. نظری، فرهاد و صالحی کاخکی، احمد، سازو کار تاریخی حفظ موقوفات در

ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هفتم، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۱۵، ص ۲۵۲.

ج. قوانین

۱۱. سند واحد حفاظت از بافت‌های تاریخی - فرهنگی و رویکردهای کلی حفاظت و احیای محدوده‌های تاریخی، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۹۶/۳/۱۰.
۱۲. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۶۷/۲/۱ مجلس شورای اسلامی.
۱۳. قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲.
۱۴. قانون حمایت از مرمت و احیاء بافت‌های فرهنگی و تاریخی مصوب ۱۳۹۸/۴/۲.
۱۵. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹.
۱۶. نظام‌نامه اجرایی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱.

د. پایان‌نامه

۱۳. غمناک، محمدرضا، جرائم علیه میراث فرهنگی در کنوانسیون‌های بین‌المللی، حقوق ایران و انگلیس، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۷، ص آغازین.

منابع انگلیسی

الف. کتاب‌ها و مقاله‌ها

- 1-Blake, J. International cultural heritage law, OUP Oxford, 2015
- 2-Camuffo, D. Microclimate for Cultural Heritage: Measurement, Risk Assessment, Conservation, Restoration, and Maintenance of Indoor and Outdoor Monuments, 2019, Elsevier
- 3-Drury, P. McPherson, A., & Heritage, E., Conservation principles: policies and guidance for the sustainable management of the historic environment, 2008
- 4-Hodder, I. Cultural heritage rights: From ownership and descent to justice and well-being. Anthropological Quarterly, 2010, 83(4), 861-882
- 5-Jurenienė, V., & Radzevičius, M. MODELS OF CULTURAL HERITAGE MAN-

The protection of immoveable cultural heritages in light of effective principles and institutes: the comparative study of Iran and United Kingdom

Foroogh heydari shooli*

Mohammad Jalali**

Blake, Janet Elizabet***

Abstract:

The focus of this research is protection of immovable moveable cultural heritages as an example of collective right. The comparative study of this research illuminates that United Kingdom has conferred a huge discretion to local states and non-governmental institutes in order to protect above-mentioned right, although the central government plays still a pivotal role in making essential decisions. The reason is that in United Kingdom the publicity of cultural heritage and the public participation are accepted as two main principles, governing on the protection of cultural heritages. The result is an effective system of protection. On the other side, In Iran, since the protection of immmoveable cultural heritages is tied to sovereignty, ministry of cultural heritage tourism and handicrafts is regarded as an only authorized institute. Therefore, non-governmental and local institutes play a very small role in the process of the protection. It means that Iranian system of protection suffers lack of public participation and Specialization as a result of this restriction. In this research, beside of introducing British principles of protection of non-moveable cultural heritages and its comparison with Iranians one, the author tries to introduce extend of discretion of different institutes which protect these heritages in both countries.ons,

Keywords: Keywords: Historic heritage, Cultural heritage, Conservation of Cultural heritage, British Law, Immoveable cultural heritage

Ph.D. Student in Public Law at Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author) . Foroogh2007@yahoo.com

Assistant Professor of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

mdjalali@gmail.com.

Associat Professor, Faculty of Law. Shahid Beheshti University, Tehran. Iran

j_blake@sbu.ac.ir